

## خود استنادی و کاربرد آن در مطالعات علم سنجی

کیوان کوشا\*  
یوسف طباطبایی

### چکیده

در طول سال‌های گذشته تحلیل استنادی به طور گسترده‌ای به منظور سنجش عملکرد تحقیقات در علوم و علوم اجتماعی به کار رفته است. با این حال یکی از انتقادهایی که از تحلیل استنادی شده است، مقوله «خوداستنادی مولفان» در چرخه ارتباطات علمی است. هدف از این مقاله مروری بررسی جنبه‌های مختلف خوداستنادی شامل انواع و انگیزه‌های خود استنادی در ارتباطات تحقیقاتی و نیز نمایان کردن نظرات مخالفان و موافقان را در متون علم‌سنجی است. در نهایت ارتباط خوداستنادی و ارزیابی تحقیقات در محیط دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد.

می‌تواند خوداستنادی باشد [۴]. امروزه با دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی مانند نمایه‌های استنادی موسوم به وب‌آوساینس<sup>۲</sup> از مؤسسه‌ی تاسون رویترز<sup>۱</sup> (نام پیشین آن مؤسسه‌ی اطلاعات علمی<sup>۳</sup> است)، گوگل اسکالار<sup>۴</sup> و اسکوپوس<sup>۵</sup> که ادعای شمارش و پیگیری استنادها را دارند به راحتی می‌توان دریافت که مقاله هر پژوهشگر در طول زمان تا چه میزان مورد استناد و استناد سایر پژوهشگران قرار گرفته و چه میزان از این استنادات از جانب خود پژوهشگران یا به اصطلاح خوداستنادی بوده است.

### آسیب شناسی استنادها

در بحث‌های مربوط به آسیب‌شناسی استنادها، مبحث خوداستنادی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و مسائل استنادهای صحیح مطرح می‌شود [۳ و ۵ و ۶ و ۷]. مک‌رابرتز و مک‌رابرتز<sup>۶</sup> [۳] در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات تحلیل استنادی»<sup>۷</sup> خوداستنادی را به عنوان یکی از مشکلات تحلیل استنادی مطرح کرده و بیان می‌دارند: زمانی که استنادها به عنوان شاخصی برای ارزیابی متون علمی مورد استفاده قرار گیرند خوداستنادی‌ها مشکل ساز خواهند شد. اکسنز [۵] نیز بر این باور است که خوداستنادی تلاش پژوهشگران را بر جامعه علمی نشان نمی‌دهد و پیشنهاد می‌کند که در محاسبه ضریب‌تاثیر<sup>۸</sup> مجله‌ها بهتر است که خوداستنادی‌ها کنار گذاشته شوند. گلنزل و همکاران [۶] نیز خوداستنادی نویسندگان را در تعیین کیفیت مجله‌های علمی به صورت جدی مشکل ساز دانسته‌اند. بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که خوداستنادی بیش از حد یک چالش اساسی در ارزیابی تولیدات علمی است و نیازمند بررسی و مطالعه است که در بخش‌های آینده این مقاله بیشتر بدان خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: خود استنادی، انگیزه‌های استناد، آسیب‌شناسی استنادها

### مقدمه

در چند دهه اخیر از روش‌های کمی برای بررسی چگونگی استفاده از منابع و مدارک در پژوهش‌های علمی و همچنین بررسی رفتار استنادی پژوهشگران استفاده شده است که اغلب مطالعه استنادها، پایه و اساس این بررسی‌ها را تشکیل می‌دهد. استنادها عناصر جالبی برای مطالعه هستند زیرا هم به آسانی در دسترس قرار دارند و هم به اعتبار داده‌ها آسیبی نمی‌رسانند و برخلاف شیوه‌هایی چون مصاحبه و توزیع پرسشنامه عوامل مزاحم کمتری دارد و نیازی به همکاری پاسخ دهنده نیز ندارند [۱]. تحلیل استنادی یکی از متداول‌ترین فنون کتاب‌سنجی است که در آن قواعد حاکم بر رابطه میان مدارک استناددهنده (متن) و مدارک مورد استناد (سند) مطالعه می‌شود [۲]. بسیاری از متخصصان کتاب‌سنجی و علم‌سنجی کارایی تحلیل استنادی در ارزیابی پژوهش‌ها را کامل و کافی نمی‌دانند. به این دلیل انتقادهای متنوعی بر تحلیل استنادی شده است که یکی از این موارد خوداستنادی نویسندگان<sup>۹</sup> است [۳]. بدین معنی که نویسندگان ممکن است بنا به دلایلی، و از جمله برای افزایش تعداد استنادهایشان، به آثار پیشین خود استناد کنند. البته متخصصان کتاب‌سنجی میزان مشخص و محدودی را برای خوداستنادی نویسندگان قابل قبول می‌دانند؛ در متون علمی میزان ۱۰-۲۰ درصد از کل استنادها (بسته به رشته علمی و حوزه موضوعی)،

### خوداستنادی

به طور خلاصه می‌توان گفت که خوداستنادی یعنی استناد به خود. اینکه نویسندگانی در جدیدترین اثرش به اثر یا آثار قبلی خویش استناد کند. اصطلاح خوداستنادی توسط افراد مختلفی برای اشاره به انواع ارتباط میان منابع استنادکننده و استنادشونده به کار رفته است [۸]. از خوداستنادی در برخی متون نیز به عنوان پدیده‌ی مبهم و مرموز یاد شده است [۵]. برخی از پژوهشگران بر این باورند که

می‌شود، به پیوند ارجاعی گفته می‌شود که یک صفحه وب موجود در یک وب‌گاه<sup>۳</sup> به همان صفحه یا صفحه‌های دیگر موجود در همان وب‌گاه ایجلا می‌کند که در ارزیابی ضریب تاثیر وب‌گاه به طور معمول این نوع پیوندهای داخل وب‌گاه در نظر گرفته نمی‌شود [۱۶].

### هدف پژوهش

هدف از مقاله حاضر بررسی و تشریح «خوداستنادی نویسندگان» است و سایر انواع خوداستنادی، از قبیل خوداستنادی مجله سازمان، کشور، زبان، رشته و خودپیوندی مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. به همین دلیل در سایر بخش‌های مقاله فقط به بحث خوداستنادی نویسندگان و آسیب‌شناسی آن پرداخته خواهد شد.

### انواع خوداستنادی نویسندگان

در برخی از متون ممکن است اشاره شود که خوداستنادی نویسندگان به صورت همگن و متناجس هستند. در حالی که لاوانی [۸] خوداستنادی نویسندگان را به ۲ دسته تقسیم‌بندی کرده است:

**الف. خوداستنادی هم‌زمانی نویسندگان<sup>۴</sup>:** خوداستنادی هم‌زمانی، استنادی است که یک نویسنده به آثار پیشین خود می‌دهد یا به عبارتی، زمانی که نویسندگی در جدیدترین مقاله‌اش به مقاله‌های پیشین خود ارجاع دهد خوداستنادی هم‌زمانی رخ داده است. در واقع، درصد ارجاع‌هایی که یک نویسنده در پایان مقاله به خود می‌دهد نسبت به کل منابع استناد شده در آن مقاله را خوداستنادی هم‌زمانی می‌گویند [۸].

برای نمونه اگر نویسندگی مقاله‌ای در سال ۱۳۸۳ چاپ کرده باشد و در این مقاله به ۵ منبع استناد کرده باشد که ۲ مورد از این استنادات به مقاله‌های پیشین همان نویسنده باشد که مقاله را نوشته یا همکار مشترک آن مقاله بوده میزان خوداستنادی هم‌زمانی این مقاله دو پنجم یا ۴۰ درصد خواهد بود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که میزان خوداستنادی هم‌زمانی یک نویسنده با محاسبه تمام مقاله‌هایی که وی به صورت نویسنده نخست چاپ کرده یا به صورت همکار مشترک بوده تعیین می‌شود که با در نظر گرفتن مقاله نویسنده و تعیین تعداد استنادهایی که به خود کرده و یا به مقاله‌هایی که در آن همکار مشترک نویسنده اصلی بوده تعیین می‌شود. و در پایان درصد خوداستنادی‌ها نسبت به کل استنادهای آن مقاله تعیین می‌شود [۸]. به طور معمول مقدار بعدست آمده برای آن مقاله ثابت خواهد ماند و بعدها هیچ‌گونه تغییری در آن به‌وجود نخواهد آمد.

**ب. خوداستنادی در زمانی نویسندگان<sup>۵</sup>:** زمانی که مقاله‌ای در فهرست مأخذ مقاله‌های بعدی یک نویسنده ظاهر شود خوداستنادی در زمانی رخ داده است [۸]. برای تعیین میزان خوداستنادی در زمانی، دسترسی به یک نمایه استنادی مناسب یا ترکیبی از نمایه‌نامه‌های استنادی مختلف ضروری است تا مشخص شود که مقاله‌ای از یک نویسنده چندین بار توسط خود و دیگران مورد استناد قرار گرفته است و سپس درصد خوداستنادی‌های در زمانی نسبت به کل استنادها مشخص می‌شود [۸].

ممکن است استناد به خویش، نتیجه عمل مهمی باشد. برای مثال، می‌تواند آخرین یافته‌های پژوهشگران را به آثار پیشین آنان در همان حوزه پیوند دهد. بنابراین در چنین مواردی خوداستنادی به عنوان امری عادی و طبیعی در امر پژوهش تلقی خواهد شد [۹]. اما عده‌ای دیگر نیز معتقدند که ممکن است خوداستنادی حاصل خودنمایی و یا مصلحت‌جویی پژوهشگران باشد. برای نمونه نویسندگان ممکن است بی‌جهت و بدون دلیل و برای افزایش میزان استنادهایشان، یا برای بالا بردن نمایانی<sup>۶</sup> و مشاهده‌پذیری آثارشان، به آثار پیشین خود استناد کنند [۱۰]. تاگلیاکوزو [۴] اولین کسی است که مطالعه منظمی بر روی خوداستنادی نویسندگان انجام داده است. وی میزان خوداستنادی در فیزیولوژی گیاهی<sup>۷</sup> و عصب‌شناسی<sup>۸</sup> را به ترتیب ۱۶/۶ و ۱۷/۵ درصد گزارش کرده است. از واژه خوداستنادی در حوزه‌های مختلفی استفاده شده است که نشان‌دهنده تنوع و گستردگی دامنه‌ی موضوعی این واژه است.

### انواع خوداستنادی

در اکثر پژوهش‌ها منظور از خوداستنادی، همان خوداستنادی نویسنده (مؤلفه پژوهشگر) است اما از خوداستنادی در سایر پیوندهای استنادی نیز استفاده شده است [۵]. مهم‌ترین انواع خوداستنادی عبارتند از:

خوداستنادی نویسنده<sup>۳</sup>: خوداستنادی نویسنده زمانی وجود خواهد داشت که منبع استنادکننده و استنادشونده حداقل یک نویسنده مشترک داشته باشند [۱۱] که منظور از خوداستنادی در این مقاله همین نوع است. لاوانی [۸] خوداستنادی نویسندگان را برای تبیین ارتباط بین نویسنده (گان) منبع استنادکننده و استاد شونده به کار می‌برد. خوداستنادی مجله<sup>۷</sup>: خوداستنادی در مجله‌ها زمانی رخ می‌دهد که مقاله‌ای در یک مجله به مقاله‌ای که در همان مجله منتشر شده استناد کند [۸]. لاوانی [۸] میزان خوداستنادی مجله‌ها برای ۲ مجله آمریکایی، کشت<sup>۷</sup> و کشاورزی<sup>۸</sup> را به ترتیب ۶۰ درصد و ۵۲ درصد ذکر کرده است.

خوداستنادی سازمانی<sup>۹</sup>: خوداستنادی سازمانی زمانی رخ می‌دهد که خاستگاه منبع استنادکننده و منبع استناد شونده از یک سازمان مشترک باشد [۱۲و۸].

خوداستنادی زبانی<sup>۱۰</sup>: ارجاع‌های یک مقاله به زبانی که مقاله بدان زبان نوشته شده است را خوداستنادی زبانی می‌گویند [۱۳]. به سخن دیگر، اگر مقاله‌ای فقط به آثار هم‌زبان استناد کند خوداستنادی زبانی رخ داده است. خوداستنادی زبانی ممکن است ناشی از عدم توانایی نویسنده در درک و فهم زبان‌های خارجی باشد. برای نمونه آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بیشتر به آثار انگلیسی استناد می‌کنند.

خوداستنادی کشوری: اگر منبع استنادکننده و استناد شونده هر ۲ از کشور مشترک باشند بدان خوداستنادی کشوری یا ملی گفته می‌شود [۱۴]. برخی از نویسندگان به دلیل تعصب و پیش‌دوری ممکن است فقط به آثار کشور خود استناد کنند.

خوداستنادی رشته‌ای (موضوعی)<sup>۱۱</sup>: ارل و ویکری [۱۵] اصطلاح خوداستنادی موضوعی ۴۲ را ابداع کردند و در پژوهشی اظهار داشته‌اند که ۵۸ درصد از استنادهای موجود در حوزه علوم اجتماعی، برگرفته شده از منابع همان حوزه هستند.

خود استنادی وب<sup>۱۲</sup>: خوداستنادی وب [۱۲] که از آن به عنوان خودپیوندی<sup>۱۳</sup> نیز یاد

استاد کند [۱۰] که این دلایل عبارتند از:

۱. برای ارائه نتایج پیشین که توسط خود نویسنده صورت گرفته است ۲. برای افزایش مشاهده پذیری آثار پیشین نویسنده ۳. برای یویا نگه داشتن اثر در چرخه استنادی ۴. برای عرضه و نمایش آثاری که استاد کمتری دارند یا استاد ندارند ۵. برای افزایش اعتبار بحث‌های و ارائه شواهد در باب روش‌های پیشین ۶. برای افزایش استادهای شخصی.

## موافقان خوداستنادی

گروهی از پژوهشگران از پدیده خوداستنادی دفاع کرده و خوداستنادی در حوزه خاص موضوعی را نتیجه سال‌ها تلاش و تجربه‌ی پژوهشگران دانسته و وقوع خوداستنادی در این گونه موارد را بلا مانع می‌دانند. برای نمونه گامی و همکاران [۱۱] بر این باورند که خوداستنادی نویسندگان در متون پزشکی، عملی ضروری است زیرا به وسیله خوداستنادی (نویسنده)، فرد یا گروهی از نویسندگان می‌توانند فرضیه‌های پیشین خود را گسترش دهند یا به مطالعات و روش‌های انجام شده پیشین ارجاع دهند و یا پژوهش‌های بیشتری را با تکیه بر نتایج پیشین انجام دهند و همچنین بیان می‌کنند که «در بعضی از موارد استاد به خویش غیر قابل اجتناب است و آن زمانی است که داده‌های منتشر شده در یک حوزه خاص منحصرأ مربوط به فرد یا گروه خاصی باشد». هایلند [۱۹] خوداستنادی را با اهمیت‌ترین بخش شبکه ارجاعی می‌داند و می‌گوید: افرادی هستند که تمایل دارند تا آثارشان همیشه تازگی داشته باشد و به همین علت مدام به آثارشان استناد می‌کنند تا اهمیت و ارزش آثارشان را نمایان کنند. موسوی [۲۰] پیش‌بینی کرده است که ایران در سال ۲۰۱۳ میلادی جزو ده کشور اول تولید علم جهان خواهد شد. وی ارجاع نویسندگان به آثارشان (خوداستنادی) را نشان‌دهنده وجود سابقه و خط تحقیقاتی نویسندگان دانسته و خود استنادی‌ها را به عنوان شاهدهی از مراحل رشد دانسته است.

## مخالفان خوداستنادی

تعداد زیادی از دانشمندان بر این باورند که خوداستنادی یکی از موانع و مشکلات استناد صحیح است. مک‌رابرتز و مک‌رابرتز [۳] عنوان کرده‌اند زمانی که استنادها به عنوان شاخصی برای ارزیابی تأثیر پژوهش<sup>۳۸</sup> بر جامعه علمی مورد استفاده قرار گیرد خوداستنادی‌ها مشکل‌ساز خواهند شد. اکسنز [۵] بر این باور است که خوداستنادی‌ها تلاش پژوهشگران را بر جامعه علمی نشان نمی‌دهد و پیشنهاد می‌کند که بهتر است خوداستنادی‌ها از نمونه‌های کوچک بررسی‌ها برداشته شوند. در تعیین کیفیت مجله‌های علمی نیز خوداستنادی نویسندگان به عنوان مشکل جدی مطرح شده است [۶]. همچنین خوداستنادی یکی از عوامل موثر بر افزایش کذب ضریب تأثیر مجله‌هاست که از سوی متخصصان علم‌سنجی همواره مورد انتقاد قرار گرفته است [۸]. بعضی از پژوهشگران نیز میزان خوداستنادی را در متون علمی تا ۲۰ درصد قابل قبول و منطقی می‌دانند [۴] و خوداستنادی بیش از ۲۰ درصد را مشکل‌ساز و غیر منطقی محسوب می‌کنند.

برای مثال، وقتی نویسنده‌ای مقالهای را در سال معینی چاپ می‌کند، احتمال دارد که در سال‌های آینده افرادی بدان مقاله استناد کنند که چه‌بسا یکی از این افراد خود نویسنده مقاله حاضر باشد یا این که همکار مشترک یکی از مقاله‌هایی باشد که با نویسنده همکارش به‌طور مشترک به مقاله قبلی خود استناد کرده‌اند که در این صورت خوداستنادی در زمانی رخ داده است.

میزان خوداستنادی در زمانی مقاله‌ها در زمان انتشار [حین انتشار مقاله] صفر خواهد بود. زیرا مقاله‌های مذکور در حین انتشار، هنوز نه توسط خود نویسنده و نه بوسیله افراد دیگر مورد استناد قرار نگرفته‌اند.

خوداستنادی در زمانی را پس از استخراج اطلاعات لازم از نمایه‌نامه‌ها محاسبه می‌کنند. برای مثال، اگر نویسنده‌ای مقالهای را در سال ۱۳۸۳ چاپ کند و به مقاله این نویسنده در سال‌های بعد از انتشار، ۱۰ مورد استناد شده باشد و از این ۱۰ مورد استناد ۶ مورد آن از طرف همان نویسنده مقاله باشد در این حالت میزان خوداستنادی در زمانی برای آن مقاله ۶۰ درصد خواهد بود. قابل ذکر است که میزان خود استنادی در زمانی در هر مقطع زمانی پس از انتشار اثر، مقدار متفاوتی خواهد بود. زیرا هر زمان این احتمال وجود دارد که به اثر مربوطه استناد شود که ممکن است این استناد از طرف خود نویسنده (خوداستنادی) یا از جانب دیگران باشد که این رویداد باعث افزایش یا کاهش میزان خوداستنادی در زمانی خواهد شد. اگر میزان استناد از جانب دیگران باشد موجب کاهش خوداستنادی و در صورتی که از جانب خود نویسنده باشد باعث افزایش میزان خوداستنادی خواهد شد.

هر نویسنده‌ای میزان مشخصی خوداستنادی هم‌زمانی خواهد داشت که ممکن است حداقل صفر یا حداکثر صد درصد باشد. میزان خوداستنادی هم‌زمانی صد درصد افراط بیش از حد معمول و به احتمال زیاد نادر خواهد بود (در صورت وقوع چنین امری نویسنده این مقاله‌ها بر حسب عادت در نوشته‌هایش هیچ استنادی به دیگران نخواهد داشت). اما میزان خوداستنادی در زمانی نویسندگان در هنگام انتشار مقاله‌هایشان مشخص نیست. زیرا، همان‌طور که قبلاً اشاره شد آثار این نویسندگان هنوز، نه به وسیله خودشان و نه توسط دیگران مورد استناد قرار نگرفته است. با گذشت حداقل یک سال از انتشار مقاله می‌توان میزان خود استنادی در زمانی را محاسبه کرد. اما به طور معمول در پژوهش‌های انجام شده حداقل فاصله زمانی برای محاسبه این میزان خوداستنادی، ۳ سال پیشنهاد شده است [۱۷ و ۱۸]. میزان صد درصد خوداستنادی در زمانی نیز زمانی اتفاق می‌افتد که در مقابل استناد مکرر نویسنده به آثار خود هیچ استنادی از جانب دیگران به مقاله‌اش نشده باشد. در برخی از مطالعات کتاب‌سنجی که بر روی آثار پژوهشگران انجام شده است. میزان خوداستنادی‌های در زمانی پژوهشگران به عنوان شاخصی برای ارزیابی‌ها در نظر گرفته شده است [۵].

## انگیزه‌های خوداستنادی

استناد به آثار پیشین خود ممکن است دلایل متعددی داشته باشد. برخی از استنادها به آثار پیشین ضروری می‌نمایند و برخی از آنها غیر ضروری هستند. متخصصان علم‌سنجی ۱۷ دلایلی ذکر می‌کنند که باعث می‌شود تا نویسنده‌ای به آثار پیشین خود

بارها از جانب دیگران مورد استناد قرار می‌گیرند در حالی که کمترین میزان خوداستنادی را دارند [۸].

### بحث و نتیجه گیری

خوداستنادی یکی از مهمترین مسائلی است که در بحث استناد صحیح و تحلیل استنادی مطرح است. عدمای بر این باورند که به وسیله خوداستنادی، فرد یا گروهی از نویسندگان می‌توانند فرضیه‌های پیشین خود را گسترش داده و به مطالعات و روش‌های انجام شده پیشین خود ارجاع دهند و یا پژوهش‌های بیشتری را با تکیه بر نتایج پیشین انجام دهند و همچنین برخی از نویسندگان تمایل دارند تا آثارشان همیشه تازگی داشته باشد و به همین علت مدام به آثارشان استناد می‌کنند، تا اهمیت و ارزش آثارشان را نمایان کنند. عدمای نیز بر این باورند که وقتی استنادها به عنوان شاخصی برای ارزیابی متون علمی و یا تعیین کیفیت مجله‌های علمی مورد استفاده قرار گیرند، خوداستنادی‌ها به صورت جدی مشکل‌ساز خواهند شد. بنابراین خوداستنادی بیش از حد یک چالش اساسی در ارزیابی تولیدات علمی است. البته خوداستنادی یکی از ساده‌ترین روش‌هایی است که برخی از نویسندگان می‌توانند به‌طور تصنعی اعتبار حرفه‌ای خود را افزایش دهند و متخصصان کتاب‌سنجی نیز میزان مشخص و محدودی را برای خوداستنادی نویسندگان قابل قبول می‌دانند که این میزان در متون علمی ۱۰-۲۰ درصد از کل استنادها (بسته به رشته علمی و حوزه موضوعی)، است [۴]. خوداستنادی نویسندگان به ۲ صورت همزمانی و درزمانی هستند که از طریق محاسبه میزان خوداستنادی همزمانی و میزان خوداستنادی درزمانی نویسندگان، می‌توان فهمید که استناد به خویشتن در نتیجه خودنمایی و خودشیفتگی است یا نه. میزان خوداستنادی همزمانی بالا لزوماً اشاره به خودنمایی ندارد، در حالی که میزان خوداستنادی درزمانی بالا قطعاً به خودنمایی و خودبزرگ‌بینی اشاره دارد. نویسندگانی که خودشیفته هستند ممکن است خوداستنادی همزمانی کمتری داشته باشند زیرا ممکن است در فهرست مأخذ مقاله‌هایشان درصد خوداستنادی‌ها را با افزایش استناد به دیگران جبران کنند. در حالی که در خوداستنادی درزمانی آثار این نویسندگان بارها از جانب خودشان مورد استناد قرار می‌گیرد و دیگران کمتر به آن‌ها استناد می‌کنند و یا اصلاً هیچ استنادی به آثار آنها نمی‌شود، که این باعث افزایش خوداستنادی درزمانی نویسندگان مذکور می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بهترین نویسندگان کسانی هستند که به‌طور گسترده و بارها از جانب دیگران مورد استناد قرار می‌گیرند، در حالی که کمترین میزان خوداستنادی را دارند. متأسفانه در کشور ما نیز استناد نویسندگان به آثار پیشین خود (خوداستنادی)، نسبت به کشورهای دیگر رواج بیشتری دارد تا جایی که در پژوهشی که توسط گلنزل و همکاران [۲۲] انجام شده است، ایران از لحاظ خوداستنادی در رتبه دوم از میان ۵۰ کشور فعال در تولید علم در جهان را دارا است. در حالی که این امر از نظر متخصصان علم‌سنجی خارجی امری پسندیده نیست. معنودوی از نویسندگان داخلی این امر را به‌قال نیک گرفته و خوداستنادی را نشانه‌ای از ارتقای علمی کشور و داشتن خط تحقیقاتی نویسندگان می‌داند.

### خوداستنادی و اعتبار در محیط دانشگاهی

تحلیل استنادی حوزه‌ای است که در آن متخصصان اطلاع‌سنجی، به ارتباط بین متون و تولیدات پژوهشگران می‌پردازند. امروزه مقاله‌های علمی در محیط دانشگاهی جایگزین سایر منابع شده‌اند و نویسندگان به شبکه‌ای وسیع برای انتشار علم دست یافته‌اند.

مجله‌های علمی نقش مهمی را در چرخه علم بازی می‌کنند که هم به تولید دانش می‌پردازند و هم نقش اعطای جایزه به نویسندگان را دارند و موجب افزایش اعتبار نویسندگان در محیط دانشگاهی می‌شوند. برای اینکه اثر نویسندگانی توسط دیگران شناخته شود و مورد استناد قرار گیرد، مناسب‌ترین وسیله در دنیای رقابتی دانشگاهی، انتشارات علمی است. در این محیط رقابتی می‌کنند تا کیفیت و نتیجه کار هر کدام بهتر از دیگری باشد تا اعتبارشان در نزد هم‌قطاران‌شان افزایش یابد در ضمن این افزایش اعتبار، یکی از عوامل اصلی در به‌دست آوردن جوایز، انتصابات، تصدی و ترفیع در محیط دانشگاهی است [۱۹].

خوداستنادی یکی از ساده‌ترین روش‌هایی است که نویسندگان می‌توانند به‌طور تصنعی اعتبار حرفه‌ای خود را افزایش دهند. شاخص‌های کتاب‌سنجی برای پیدا کردن الگوهای خوداستنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند و اطلاعاتی درباره الگوهای مطالعه در اختیار متخصصان علم‌سنجی قرار می‌دهند. اما اطلاعات کمتری درباره چگونگی تلاش نویسندگان در افزایش شهرت و اعتبارشان در نوشته‌هایشان ارائه می‌کنند [۱۹].

### خوداستنادی و خودنمایی

از آنجا که تشخیص نیت نویسندگان در استناد به خود، در عمل کاری دشوار و غیرممکن می‌نماید نمی‌توان ضریب تاثیر بدست آمده پس از حذف موارد خوداستنادی را ضریب تاثیر واقعی دانست چرا که ممکن است نویسنده اصلاً با مفهوم ضریب‌تاثیر آشنا نبوده و بر اساس استفاده واقعی از مقاله‌ای که قبلاً توسط خود منتشر ساخته بوده استناد به آن را انجام داده باشد [۲۱].

از طریق محاسبه میزان خوداستنادی همزمانی (محاسبه ارجاعات نویسنده به آثارش) و میزان خوداستنادی درزمانی (محاسبه استنادهای نویسنده به آثارش) نویسندگان، می‌توان فهمید که استناد به خویشتن در نتیجه‌ی خودنمایی و خود شیفتگی است یا نه. میزان خوداستنادی همزمانی بالا لزوماً اشاره به خودنمایی ندارد. در حالی که میزان خوداستنادی درزمانی بالا قطعاً به خودنمایی و خودبزرگ‌بینی اشاره دارد. نویسندگانی که خودشیفته هستند ممکن است خوداستنادی همزمانی کمتری داشته باشند زیرا ممکن است در فهرست مأخذ مقاله‌هایشان درصد خوداستنادی‌ها را با افزایش استناد به دیگران جبران کنند، در حالی که در خوداستنادی درزمانی آثار این نویسندگان بارها از جانب خودشان مورد استناد قرار می‌گیرد و دیگران کمتر به آنها استناد می‌کنند و یا اصلاً هیچ استنادی به آثار آنها نمی‌کنند که این باعث افزایش خوداستنادی درزمانی نویسندگان می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بهترین نویسندگان کسانی هستند که به‌طور گسترده و

## یادداشت‌ها

- 1- Author self citation
- 2- Web Of Science (WOS)
- 3- Thompson Reuters
- 4- Institute for Scientific Information (ISI)
- 5- Google Scholar (GS)
- 6- Scopus
- 7- Mac Roberts & Mac Roberts
- 8- " Problems of citation analysis: a critical review"
- 9- Impact Factor (IF)
- 10- Visibility
- 11- Tagliacozzo
- 12- Plant physiology
- 13- Neurobiology
- 14- Author self citation
- 15- Lawani

- 16- Journal Self Citation
- 17- Crop journal
- 18- Agronomy journal
- 19- Institutional self citation
- 20- Language self citation
- 21- Earle & Vichery
- 22- Web page self citation
- 23- Self-links
- 24- Web cite
- 25- Synchronous Self Citation
- 26- Diachronous self citation
- 27- Scientometricians
- 28- Research impact
- 29- Egotism

## منابع و مأخذ

- [۱]- عصاره فریده. تحلیل استنادی. فصلنامه کتاب. ۴۲(۳): ۲۴-۴۸ (۱۳۷۷).
- [۲]- جزئی، عباس. تحلیل استنادی. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی. ج ۱: ۶۱۶-۶۲۰ (۱۳۸۱).
- [3]- Macroberts, M. H. & Macroberts, B. R. (1989). Problems of Citation Analysis: A Critical Review, *Journal of the American Society for Information Science*, 40(1989), 342-349.
- [4]- Tagliacozzo, R. (1977). Self-Citation in Scientific Literature. *Journal of Documentation*, 33, 251-265.
- [5]- Aksnes, D.W. (2003). A Macro Study of Self-Citation. *Scientometrics*, 56 (2), 235-246.
- [6]- Glanzel, W. & Debackere, K. & Thijs, B. & Schubert, A. (2006). A Concise Review on the Role of Author Self-Citations in Information Science, *Bibliometrics and Science Policy*, *Scientometrics*, 67(2), 263-277.
- [7]- Seglen, P. O. (1997). Citations and Journal Impact Factors: Questionable Indicators of Research Quality. *Allergy*, 52(11), 1050-1056.
- [8]- Lawani, S. M. (1982). On the Heterogeneity and Classification of Author Self-Citations. *Journal of the American Society for Information Science*, 33, 281-284.
- [9]- Phelan T. J. (1999). A Compendium of Issues for Citation Analysis, *Scientometrics*, 45 (1999), 117-136.
- [10]- Pichappan, P. & Sarasvady, S. (2002). The Other Side of the Coin: The Intricacies of Author Self-Citations, *Scientometric*, 54(2), 285-290.
- [11]- Gami, A. S. & Montori, V. M. & Wilczynski, N. L. & Haynes, R. B. (2004). Author Self-Citation in the Diabetes Literature. *Canadian Medical Association Journal*, 170 (13), 1925-1927.
- [12]- Rousseau, R. (1999). Temporal Differences in Self-Citation Rates of Scientific Journals. *Scientometrics*, 44(3), 521-531.
- [13]- Yitzhaki, M. (1998). The Language Preference in Sociology: Measures of 'Language Self-Citation', 'Relative Own-Language Preference Indicator', and 'Mutual Use of Languages'. *Scientometrics*, 41(1/2), 243-254.
- [14]- Glanzel, W. & Schubert, A. (2005). Domesticity and Internationality in Co-Authorship, References and Citations. *Scientometrics*, 65(3), 323-342.
- [15]- Earle, P. & Vickery, B. (1969). Social Science Literature use in the UK as Indicated by Citations. *Journal of Documentation*, 25(2), 123-141.
- [۱۶]- نوروزی، علیرضا. ضریب‌تأثیرگذاری وب و سنجش آن در برخی وب‌سایت‌های دانشگاهی ایران، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی: ویژه‌نامه کتابداری. ۵ (۲): ۱۰۵-۱۱۹ (۱۳۸۴)
- [17]- Glanzel, W. & Thijs, B. (2004). Does Co-Authorship Inflate the Share of Self-Citations? *Scientometrics*, 61(3), 395-404.
- [18]- Thijs, B. & Glanzel, W. (2006). The Influence of Author Self-Citations on Bibliometric Meso-Indicators. The case of European Universities. *Scientometrics*, 66(1), 71-80.
- [19]- Hyland, k. (2003). Self-Citation and Self-Reference: Credibility and Promotion in Academic Publication, *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54(February 2003), 251-259..
- [۲۰]- موسوی، میرفضل‌الله. رتبه‌بندی تولید علم در ۵۰ کشور اول جهان. *هیافت* ۳۷: ۵۷-۷۳ (۱۳۸۳).
- [۲۱]- نجفی، کبری؛ مومن‌زاده، سیروس؛ مرادی، فرشاد. تعیین ضریب‌تأثیر و ضریب‌انگی نشریات علمی- پژوهشی پزشکی فارسی در سال ۱۳۸۵. *پژوهش در پزشکی*. ۳۱ (۴): ۳۳۳-۳۳۸ (۱۳۸۶).
- [22]- Glanzel, W. & Thijs, B. & Schlemmer, B. (2004). A Bibliometric Approach to the Role of Author Self-Citations in Scientific Communication, *Scientometrics*, 59(1), 63-77.